

مطالعه ماهیت و عوامل مؤثر بر وقوع سرقت

تاریخ دریافت: 1395/06/15

تاریخ پذیرش: 1395/11/10

امیر وطنی¹، اکبر وروایی²، حمید فاطمی موحد³

از صفحه 127 تا 154

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مشکلات شهرهای بزرگ افزایش میزان جرایم خشن است. جرم سرقت مسلحانه یکی از جرایم خشنی است که در سال‌های اخیر به دلیل افزایش احساس ناامنی در بین شهروندان اهمیت ویژه‌ای را در شناخت ماهیت و عوامل مؤثر بر وقوع آن به دنبال داشته است؛ از همین رو، پژوهش حاضر با هدف مطالعه ماهیت و عوامل مؤثر بر وقوع جرم سرقت مسلحانه در شهر تهران انجام شده است.

روش‌شناسی پژوهش: روش پژوهش، ترکیبی از روش‌های توصیفی، تطبیقی و روش علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش شامل دو گروه مستقل تجربی و کنترل است که گروه تجربی شامل کلیه سارقان مسلح مرد نگهداری‌شده و گروه کنترل مشتمل بر شهروندان مرد تهرانی در سال 1394 است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان دو گروه تجربی و کنترل به لحاظ میزان پیوند اجتماعی، انزوای اجتماعی و میزان از هم‌گسیختگی خانوادگی وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از آن است که در خصوص ماهیت سرقت مسلحانه، هر سرقت مسلحانه‌ای، محاربه نبوده، بلکه حسب مورد، ممکن است از جرایم تعزیری یا سرقت، مستوجب حد باشد. در خصوص عوامل مؤثر بر وقوع جرم سرقت مسلحانه تفاوت معناداری میان دو گروه تجربی و کنترل به لحاظ نظارت اجتماعی، انزوای اجتماعی، میزان از هم‌گسیختگی اجتماعی و میزان پیوند اجتماعی وجود دارد. در این میان، بین دو متغیر نظارت اجتماعی و پیوند اجتماعی با سرقت مسلحانه و پیوند اجتماعی ارتباط معکوسی برقرار است.

واژه‌های کلیدی: سرقت مسلحانه، انزوای اجتماعی، از هم‌گسیختگی خانوادگی، محرومیت نسبی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی.

1 - استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)، vatani_amir@gmail.com

2- دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین

3- دانشجوی دکتری حقوق جزا دانشگاه خوارزمی esmail88610@chmail.ir

مسئله بزه کاری و کج روی از دیرباز در جوامع انسانی مورد توجه صاحب نظران بوده است. در چند دهه گذشته به خصوص در جوامع پیشرفته و صنعتی بحث بزه کاری به یکی از حادثترین و پیچیدهترین مسائل اجتماعی بدل شده و بخشی از مباحث انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی را به خود اختصاص داده است (احمدی، 1384: 129).

انسان‌ها به لحاظ سرشت و ذات خود همیشه و در همه حال در جهت آسایش، رفاه و پیشرفت مادی و اجتماعی خود تلاش می‌کنند. این تلاش‌ها به انحای مختلف صورت می‌گیرد. گروهی برای دستیابی به ثروت و رفاه در چارچوب و محدوده قوانین و رعایت حقوق دیگران حرکت می‌کنند. در این میان گروهی نیز برای رسیدن به اهداف خود از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نمی‌کنند و حتی از شکستن هنجارها و قوانین و زیر پا گذاشتن حقوق دیگران نمی‌گذرند و این اقدامات را به‌عنوان روش رسیدن به هدف خود بر می‌گزینند که این‌گونه رفتارها در طول تاریخ موجب به‌وجود آمدن قوانین اجتماعی و دستگاه مجازات و... شده است (ستوده، 1384: 184).

یکی از جرایمی که به دلیل تأثیرات شدید اجتماعی، از اهمیت زیادی برخوردار است و با حساسیت ویژه‌ای توسط مردم و مطبوعات مورد پی‌گیری قرار می‌گیرد، سرقت مسلحانه است؛ به‌ویژه آن‌که این جرم در نوع شدید آن، معمولاً با جرایم دیگری نظیر قتل و ضرب و جرح همراه است. سرقت‌های مسلحانه علاوه بر به‌کارگیری سلاح اکثراً به همراه زور، خشونت یا تهدید به خشونت نسبت به قربانیان یا ناظران انجام می‌گیرد. این‌گونه سرقت‌ها با تلاش برای گرفتن هر چیز با ارزش که تحت مراقبت، حضانت یا کنترل یک فرد یا افراد است، با توسل به سلاح، زور یا تهدید به زور یا خشونت یا ترساندن قربانی همراه است (صفاری، 1389: 32).

سرقت‌های مسلحانه در کشور ما معمولاً در شهرهای بزرگ روی می‌دهد و به‌خصوص در مناطق مهم تجاری که در کلان‌شهر تهران پراکندگی زیادی دارند، اتفاق می‌افتد و از جمله جرایمی است که به‌شدت امنیت عمومی و اجتماعی را به مخاطره انداخته و به احساس امنیت عمومی، آرامش ذهنی و سلامت افراد جامعه آسیب وارد می‌کند. موفقیت در مقابله با این جرم خود به شناخت علل و عوامل بروز این جرم در جامعه بستگی دارد

که شناخت هر یک از آن‌ها می‌تواند در حصول به نتیجه، بسیار مؤثر باشد. در وقوع هر جرم، عوامل متعددی دخالت دارند که عامل انسانی تنها یکی از آن‌هاست؛ چرا که مسائل اجتماعی، روانی، اقتصادی، خانوادگی و... دست به دست هم می‌دهند و شخص را به سمت انجام عمل خوب یا بد، مجرمانه یا غیر مجرمانه سوق می‌دهند؛ بنابراین شناسایی ماهیت عوامل مؤثر بر وقوع این جرم و تبیین الگوی پیش‌گیری از آن می‌تواند در تدبیر روشی جامع در مقابله با آن سهم به‌سزایی داشته باشد؛ از این رو در این پژوهش به دنبال بررسی ماهیت، پیش‌گیری و عوامل مؤثر بر سرقت مسلحانه هستیم. در واقع این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر است:

- آیا همه سرقت‌های مسلحانه، محاربه هستند؟
- آیا بین نظرات اجتماعی و سرقت مسلحانه ارتباط وجود دارد؟
- آیا بین انزوای اجتماعی و سرقت مسلحانه ارتباط وجود دارد؟
- آیا بین از هم‌گسیختگی خانوادگی خانواده و سرقت مسلحانه ارتباط وجود دارد؟
- آیا بین پیوند اجتماعی و سرقت مسلحانه ارتباط وجود دارد؟

بیان مسئله

ارتکاب جرایم خشن و به‌خصوص جرم سرقت مسلحانه سبب به‌وجود آمدن موجی از نگرانی در میان مردم و مسئولان می‌شود. پرداختن به مقوله مورد نظر از سوی محققان و کارشناسان انتظامی و دانشگاهی به‌منظور ریشه‌یابی و مقابله، امری ضروری است. وجود مشکلات اقتصادی، اجتماعی و روانی در مجرم شدن فرد و ارتکاب اعمال خلاف نتیجه تأثیر عوامل مختلفی است که بر وی اثر منفی گذاشته و او را از حالت و روال طبیعی خارج و در مسیر غیرطبیعی قرار داده است. افرادی که برای رسیدن به خواسته‌های خود از هر راه ممکن استفاده می‌کنند، در حقیقت به‌نوعی در مسیر انحراف و ارتکاب جرم هستند. اهمیت شرایط اقتصادی و اجتماعی در تعیین علل جرم و بزه‌کاری بر کسی پوشیده نیست، فقر مادی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری انواع سرقت‌ها است؛ زیرا فردی که دچار این آسیب اجتماعی شده است به دلیل احساس حقارت از جامعه طلبکار شده و چون جامعه را مسئول محرومیت و فقر خود می‌داند، نوعی احساس

انتقام‌کشی در او پرورش می‌یابد. نکته مهمی که باید در خصوص بروز سرقت‌های مسلحانه به آن توجه شود، از طرف دیگر عدم اطلاع کافی افراد از مجازات‌ها، بی‌اطلاعی از مواد قانونی و عدم اطلاع‌رسانی دقیق در این موارد نیز خود دلیل دیگری است که ممکن است فرد به طمع کسب درآمدهای بادآورده اقدام به انجام این اعمال مجرمانه و خشن کند (شامبیاتی، 1384: 115). جرایم مسلحانه به‌ویژه سرقت‌های مسلحانه جبری توأم با تهدید سلاح گرم یا سرد که گاهی منجر به ضرب و جرح و قتل نیز می‌شود، اثرات منفی بر امنیت جامعه گذاشته و باعث احساس عدم امنیت جانی و مالی، هراس و تشویش اذهان و نارضایتی آحاد جامعه می‌شود، به تبع آن سلب اعتماد از توان دستگاه‌های برقرارکننده نظم و امنیت هم‌چون قوه قضاییه و نیروی انتظامی را به دنبال خواهد داشت (صفری، 1389: 37). وقوع چنین جرایمی باعث به‌وجودآمدن موجی از نگرانی در میان مردم و مسئولان می‌شود. با توجه به مطالبی که گذشت پرداختن به مقوله مورد نظر از سوی محققان و کارشناسان انتظامی و دانشگاهی به منظور ریشه‌یابی و مقابله، امری ضروری است. وجود مشکلات اقتصادی، اجتماعی، روانی، عاطفی و گاه فرهنگی نیز آشکال ساده تا بسیار پیچیده‌ای را به این جرم بخشیده است. در واقع هنگامی که عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه کاهش یابد، این جرم با تمام پیچیدگی‌های خاص خود شیوع قابل توجهی پیدا می‌کند و از جهتی وقتی جرم در جامعه وجود داشته باشد، بر وظایف و عملکرد کلیه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی تأثیرگذار است. البته آسیب اجتماعی این جرم دارای علل و عواملی است که باید آن‌ها را شناخت و در جهت حذف زمینه‌های اجتماعی مساعد برای ابتلای افراد حرکت کرد؛ بنابراین بررسی علمی ماهیت و راه‌های پیش‌گیری از این پدیده مجرمانه در جامعه و دست‌یابی به بهترین راه‌ها برای کنترل و جلوگیری از آن، یک ضرورت محسوب می‌شود.

مبانی نظری

سرقت به معنای دزدیدن چیزی آمده و منظور از آن بردن مال دیگری، به‌طور پنهانی و بی‌خبری است (دهخدا، 1341: 456). در خصوص معنای سرقت، راغب اصفهانی بیان می‌دارد؛ «السرقه اخذ ما لیس له اخذه فی خفاء» در این تعریف اخذ و گرفتن غیر مجاز به‌طور مخفی به‌عنوان تعریف سرقت آمده است (راغب: 236). سرقت مسلحانه سرقتی

است که توأم با سلاح ظاهر یا مخفی است، در صورتی که باعث سلب امنیت بشود عنوان محارب پیدا می‌کند و مجازات محاربه پیدا می‌کند و در صورتی که باعث سلب امنیت مردم نشود به‌عنوان سرقت تعزیری مشدد مجازات می‌شود.

در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب 1375) در ماده 653 قانون تعزیرات مقرر می‌دارد؛ «هرکس در راه‌ها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به 3 تا 15 سال حبس و شلاق تا 74 ضربه محکوم می‌شود. منظور مقنن از به‌کار بردن کلمه محارب در ماده قانون مزبور موقعیت محارب در ماده 279 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 است که بیان می‌دارد؛ «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط شود. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود.» آیا می‌توان سرقت مسلحانه را مترادف با محاربه دانست یا آن را یکی از موارد در حکم محاربه دانست؟ در ادامه به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

در ماده 1280¹ محاربه که اقدام به سرقت نیز کرده است دارای دارای دو ویژگی است:

الف: خصوصیت استفاده از اسلحه در حین سرقت که حتی بدون تیراندازی و صرفاً با حمل اسلحه یا تهدید به استفاده از آن مصداق دارد.

ب: ملازمه ارتکاب سرقت با سلب امنیت و ایجاد رعب و وحشت: در مورد سارق مسلحی که امنیت مردم را به‌هم نزند، در بند 3 ماده 640/651 و 645 قانون تعزیرات مصوب 1375، حمل سلاح، یکی از شرایط و عوامل تشدید مجازات سارق محسوب شده و قانون‌گذار صراحتاً متذکر شده که حتی اگر اسلحه به‌طور مخفیانه حمل شود، باز مشمول تشدید مجازات خواهد بود و طبق این ماده حمل سلاح در دزدی و سرقت محاربه دانسته نشده و فقط از عوامل تشدید مجازات تلقی شده است (گلدوزیان، 1392: 262).

فقها نیز موضوع اصلی برای حکم محاربه را سلب امنیت عمومی با استفاده از سلاح زور و قدرت که آرامش جامعه را بر هم می‌زنند، دانسته‌اند.

1 - ماده 281- راهزنان، سارقان و قاچاقچیبانی که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند.

طبق مفاد آیه شریفه 33 سوره مائده¹ مجازات محارب یکی از این چهار چیز است؛ قتل، صلب، قطع دست و پا و نفی بلد.

الف: قتل ب: صلب ج: قطع دست و پا: بریدن دست و پا به صورت مخالف یعنی دست راست و پای چپ.

و در ماده 282 ق. م. ا قانون گذار بیان می‌دارد که حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است:

الف- اعدام، ب- صلب، پ- قطع دست راست و پای چپ، ت- نفی بلد.

و در ادامه طبق ماده 283 «انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده (282) به اختیار قاضی است.» در واقع به قاضی اختیار داده است تا هر کدام از مجازات‌ها را که بخواهد انتخاب کند. البته یکی از اساتید دانشگاه الازهرها عنوان می‌دارد² که در آیه 33 سوره مائده کلمه (او) به معنای تأخیر نیست، بلکه بر اساس میزان خطر و جرم ارتكابی قاضی می‌بایست مجازات متناسب را انتخاب کند (الزلمی، 1435: 185). جرم محاربه لازم نیست همراه با بردن مال یا به قصد بردن مال دیگری باشد، بلکه با حمل یا کشیدن سلاح به منظور ایجاد رعب و وحشت با هر هدف و نیتی که باشد جرم محاربه محقق خواهد شد. در این میان، گاهی فرد برای آن که تصاحب مال از فرد دیگر را با اطمینان بیش‌تری انجام دهد، از سلاح و ایجاد رعب و وحشت استفاده می‌کند؛ این عمل را سرقت مسلحانه می‌نامند (صادقی، 1394: 244).

سرقت در تعریف فقها، ربودن مال دیگری به صورت مخفیانه است و از جمله شرایط آن، مخفیانه بودن آن است (نجفی، 1981: 226). در مقابل، سرقت مسلحانه سرقتی است که به صورت علنی و با استفاده از سلاح انجام می‌گیرد. در مورد این که چرا به این عمل سرقت اطلاق شده یکی از نویسندگان چنین می‌گوید: «راهزنی و سرقت‌های مسلحانه نیز چون با نوعی اعمال پنهانی از قبیل اختفاء و دوری از چشم حکومت و مأموران مربوطه همراه می‌باشد، سرقت نامیده شده است.» (عوده، 1989: 283). بنا بر

1 - إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

2 - و کلمه (او) فی هذه الایه لیست للتخیر و انما للتفصیل و التقسیم ، فتقسم العقوبات علی الجرائم بحسب حجمها و خطورها .

آنچه از مفاد روایات به دست می‌آید و در کلمات فقها نیز تصریحاً و تلویحاً به آن اشاره شده می‌توان گفت که رابطه بین سرقت مسلحانه و محاربه، عموم و خصوص من وجه است؛ یعنی گاهی سرقت مسلحانه ممکن است باشد، ولی محاربه نباشد؛ مانند آن که شخص در سرقت سلاح حمل کند ولی قصد ایجاد رعب و وحشت نداشته باشد و کسی نیز از او نترسد و گاهی نیز محاربه محقق شود، ولی سرقت مسلحانه نیست؛ مانند جایی که شخص سلاح برکشد و با ایجاد رعب و وحشت قصد کشتن کسی را داشته باشد یا این که نه قصد قتل دارد و نه قصد بردن مال و تنها هدفش ایجاد ناامنی و جوّ بیم و هراس است. گاهی نیز عملی است که هر دو عنوان در او جمع شده‌اند؛ سرقت مسلحانه با ایجاد رعب و وحشت و به قصد برهم زدن امنیت که این عمل از مصادیق سرقت مسلحانه و محاربه هر دو می‌باشد و عامل آن مطابق قواعد تعدد به مجازات اشد یعنی محاربه محکوم می‌شود (صبری، 1387: 229). قانون‌گذار نیز در ماده 281¹ قانون مجازات‌های اسلامی سال 1392 به همین مورد اشتراک اشاره کرده و آن را جزو مصادیق جرم محاربه شمرده است؛ اما در مورد سارق مسلحی که امنیت مردم را به هم‌زنند، در قانون تعزیرات مصوب 1375، در بند 3 ماده 651/640 و 654 حمل سلاح، یکی از شرایط و عوامل تشدید مجازات سارق محسوب شد و قانون‌گذار به صراحت متذکر شده که حتی اگر اسلحه به‌طور مخفیانه حمل شود، باز مشمول تشدید مجازات خواهد بود و طبق این ماده، حمل سلاح در سرقت محاربه دانسته نشده و فقط از عوامل تشدید مجازات تلقی شده است.

آسیب‌ها و مسائل اجتماعی را نمی‌توان تنها به وسیله یک عامل یا علت تبیین کرد. هیچ علتی به‌تنهایی برای رفتار پیچیده و متنوعی مانند بزه‌کاری نوجوانان کافی نیست (احمدی، 1384: 83). بحث سرقت‌های مسلحانه از این قاعده مستثنی نیست و عوامل مختلفی در سطح خانواده، مدرسه و جامعه دست به دست هم می‌دهند تا این آسیب اجتماعی شکل بگیرد. نظریه‌های تبیین‌کننده سرقت در این مقاله به شرح زیر هستند:

نظریه کنترل اجتماعی: فرضیه اصلی این نظریه ارضاء نشدنی بودن ماهیت انسان است. دیدگاه نظارت اجتماعی بر این عقیده است که افراد اصولاً دارای قابلیت بهنجار بودن یا نابهنجار بودن هستند. نکته اصلی این است که جامعه چه رفتاری با فرد داشته

1 - ماده 281- راهزنان، سارقان و قاچاق‌چینی که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربه‌اند.

باشد. رفتار بهنجار و نابهنجار تنها در درون جامعه دارای معنی است و هر جامعه‌ای سعی می‌کند که هنجارهای خود را بر فرد تحمیل کند. (ممتاز، 1381: 29). هیرشی که مهم‌ترین پایه‌گذار این نظریه است موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌کند؛ او بر این اعتقاد است که کج‌رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود. هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: وابستگی¹، تعهد²، درگیری³ و اعتقاد⁴.

نظریه آنومی (بی‌هنجاری) و ساختار خانواده⁵. ضعف پشتیبانی خانواده، اختلافات خانوادگی، ضعف توافق و تجانس پدر و مادر، محل سکونت نامناسب، فقر اقتصادی، جدایی والدین، بیماری پدر یا مادر، مرگ پدر یا مادر، پیشامد خطر یا روی کردن بدبختی، خطر تنهایی، تاریکی، آب و هوای نامساعد، تصادف بد، آتش‌سوزی، کمی یا کاستی زندگی، کمی غذا، فقر مادی، نداشتن مصاحبت و دوست خوب، کمبود تنوع در اوقات فراغت، بدرفتاری خانواده، بدرفتاری معاشران و اطرافیان، حقارت اجتماعی، ضعف پشتیبانی و حمایت‌های اجتماعی مهم‌ترین عواملی هستند که به اعتقاد یونگ سبب رشد و شکفتگی شخصیت می‌شوند؛ یعنی آدمی را به تدریج به سوی کمال می‌برند و در واقع خود را می‌سازند عبارتند از: 1- میراث نیاکان، 2- هدف‌های زندگی، 3- نیروی روانی، 4- نشانه‌های رمزی، 5- اصل دو قطبی یا تضاد (همان: 95). آلفرد ادلر (1989)⁶ عواملی نظیر 1- حقارت، 2- برتری‌جویی، 3- غایت و غرض خیالی، 4- مصلحت اجتماعی، 5- خودآگاهی، 6- شیوه زندگی، 7- خودخلاق بر شخصیت تأثیرگذار می‌داند (سلیمی، 1380: 109). ویلیام گود با استعانت از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی‌کننده ساختار خانواده سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش‌یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزه‌کار و کج‌رو دخیل می‌داند؛ به نظر وی هنگامی که یک یا چند تن از اعضای یک

1 - Attachment

2 - Commitment

3 - Involvement

4 - Belief

5 - Anomie and family structure

خانواده بتوانند وظایف و نقش خود را به‌طور مناسب و شایسته‌ای انجام دهند از هم‌گسیختگی خانوادگی به‌وجود می‌آید و این از هم‌گسیختگی باعث انحراف اعضای آن خانواده خواهد بود (ممتاز، 1381: 47). ویلکینسن و هیرشی در مورد فروپاشی نظام مبتنی بر عقاید قبلی (سنتی) در خانواده و پدیده طلاق تحقیق کرده‌اند و آن را متغیر مهمی در انحراف نوجوانان و جوانان از قوانین جامعه می‌دانند. نای محقق دیگری است که اضافه می‌کند خانواده و جامعه از طریق سه عامل نظارت درونی، نظارت غیرمستقیم و ارضای نیازها باعث تقویت پیوند اجتماعی افراد می‌شود. در کل هیرشی¹، ت، و کلس² و نای اف³ بر این اعتقاد هستند که کج‌رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه با محیط‌های اجتماعی وابستگی⁴، تعهد⁵، درگیری⁶ و دارای اعتقاد ضعیف باشد یا گسسته شود (همان: 59).

- نظریه پیوند افتراقی⁷: ساترلند (1966) تحت تأثیر نظریه‌های شاو و مک کی معتقد است که رفتار انحرافی مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود (ممتاز، 1381: 33). فرد بزه‌کار در طول حیات خود از طریق پیوستگی با دیگران انگیزه‌ها و گرایش و ارزش‌های انحرافی را فرا می‌گیرد، به نسبت هم‌نشینی و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارد کج‌رو می‌شود و عوامل چندی این تأثیرپذیری را تعیین می‌کنند؛ از جمله تماس‌های زیادی با دوستان منحرف، برقراری تماس در سن نوجوانی و جوانی، تعداد زمان‌های تماس. ساترلند، هم‌چنین رفتار بزه‌کارانه را ناشی از تماس با اشخاص در اثر فرآیند یادگیری می‌داند که مخصوصاً از روابط شخصی در داخل یک گروه محدود نظیر خانواده، مدرسه، کوچه و محله تعلیم گرفته می‌شود (ستوده، 1384: 63). به نظر وی رفتار انحرافی روان‌شناختی و ارثی نیست، بلکه مردم در مصاحبت و معاشرت با هم‌نوع، در طول یک جریان جامعه‌پذیری، طغیان و

1- Hirshi

2-Reckless

3- Nye

4- attachment

5- commitment

6- involvement

7- Differential association

تخطی از هنجارها را آموخته و به‌سوی رفتار انحرافی کشانده خواهند شد. ساترلند معتقد است افرادی که مرتکب قانون‌شکنی می‌شوند مطمئناً نسبت به کسانی که مرتکب قانون‌شکنی نمی‌شوند، ارتباط بیشتری با قانون‌شکنان دارند. او بر این عقیده است که چنین وضعیتی هم برای مردان و هم برای زنان وجود دارد. به‌عبارتی یک فرد زمانی بزه‌کار می‌شود که در اطراف او بزه‌کارانی وجود داشته باشد و با آنها ارتباط برقرار کند.

- محرومیت نسبی¹: دانشمندان معتقدند که نابرابری درآمد در جوامع مختلف هم تولید فشار می‌کند و هم باعث افزایش میزان جرم در آنها می‌شود. به خاطر این که شکاف عمده بین فقیر و غنی، کینه‌توزی و عدم اعتماد را به‌وجود می‌آورد و چنین وضعیتی سرانجام منجر به خشونت و جرم می‌شود. در جوامعی که در آنها نابرابری درآمد افزایش یافته است یک نوع حقارت و سرافکندگی در افراد کم درآمد ایجاد می‌شود که این عامل باعث ایجاد انگیزه‌های مجرمانه در برخی از این افراد می‌شود. روان‌شناسان یادآوری کرده‌اند که تحت این شرایط مردان جوان نسبت به وضعیت خود نگران خواهند شد، در نتیجه نسبت به افرادی که از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند حسادت خواهند ورزید. چنانچه آنها نسبت به استفاده از شیوه‌های پرخاشگرانه و مخاطره‌آمیز در رقابت‌های اجتماعی ناتوان باشند، شانس کم‌تری برای موفقیت‌های آینده خواهند داشت. به همین خاطر اکثر این افراد مرتکب جرم و خشونت می‌شوند. این فرآیند تحت عنوان نظریه محرومیت نسبی بیان شده است (ممتاز، 1381: 36).

بیگانگی اجتماعی

ملوین سیمن بیگانگی اجتماعی را نوعی احساس یا وضعیتی می‌داند که هر فرد در رابطه با خود، دیگران و جامعه از خود بروز می‌دهد؛ وی ضمن ارائه این تعریف از بیگانگی، صور و انواع تظاهرات رفتار بیمارگونه را در پنج نوع احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس انزوای اجتماعی، احساس بی‌معنایی و احساس تنفر از خویش‌نشان داده است (سی من²، 1957: 784).

1 - Relative deprivation theory

2 - Seeman

- احساس بی‌قدرتی نوعی بیگانگی اجتماعی است که در آن فرد احساس می‌کند که قادر به تعیین یا نظارت بر نتایج مورد انتظار نبوده و توانایی تقویت یا تحکیم اهداف مورد نظر خود را که در پی آن است ندارد.

- احساس بی‌هنجاری وضعیتی است که در آن فرد با سطح بالایی از انتظار بر خود متصور می‌داند که نزدیک شدن به اهداف دلخواه تنها در گرو اعمال و رفتارهایی است که از نظر اجتماعی مقبول و پسندیده نیست.

- احساس انزوای اجتماعی وضعیتی است که در آن فرد انفصال تامی با ارزش‌های مرسوم جامعه پیدا کرده است. در این حال فرد نسبت به سازوکار ارزش‌گذاری و نظام پاداش‌دهی اجتماعی اعتقاد نازلی دارد و با هر آنچه که از نظر جامعه معتبر و ارزشمند است خود را هم‌عقیده و هم‌سو نمی‌بیند (محسنی تبریزی، 1370: 68). سیمن انزوای اجتماعی را احساسی تلقی می‌کند که فرد طی آن با زمینه‌های اجتماعی خویش سازگاری نداشته و از ارزش‌ها و اهداف مطرح‌شده در جامعه جدا می‌باشد (سی من، 1957: 778).

- احساس بی‌معنایی از نظر سیمن به این صورت تعریف شده که بی‌معنایی در افراد، نوعی بیگانگی است که فرد یا افراد در این نوع از بیگانگی دچار ابهام و شک و دودلی شده و قادر نیستند که نتایج و پیامدهای رفتار خود را پیش‌بینی کنند. به عبارتی تردید در این‌که در مورد معیارهای مطرح‌شده در سطح جامعه، به چه چیزی اعتقاد داشته یا نداشته باشند (نادری، 1383: 398).

در احساس بی‌معنایی فرد در باور عقیده خود دچار تردید و ابهام است و نمی‌داند که به چه اعتقاد داشته باشد، در تصمیم‌گیری‌ها عقیده خود را با استانداردهای جامعه نمی‌تواند تطبیق دهد (محسنی تبریزی، 1383: 151).

- به باور سیمن احساس تنفر از خویشتن عبارت است از حالتی که فرد یا افراد در رسیدن به پاداش‌ها، دچار احساس ناتوانی هستند (سی من، 1957: 790). احساس تنفر یا تنفر از خویشتن حالتی از بیگانگی اجتماعی است که فرد یا افرادی در یک چنین وضعیتی در رابطه با زندگی فردی خود دچار تنفر و بی‌هدفی می‌شوند.

عباچی (1387) در پژوهشی با عنوان «مبانی و مقدمات تدوین برنامه ملی پیش‌گیری از جرم در ایران» با ارائه پژوهشی تحلیلی به این نتیجه رسید که سیاست‌ها، راهبردها و طرح‌های پیش‌گیری از جرم، نه‌تنها از وقوع بزه‌کاری و بزه‌دیدگی پیش‌گیری می‌کنند، بلکه می‌توانند امنیت جامعه را ارتقاء بخشیده و موجب توسعه پایدار کشور شوند؛ بنابراین به موازات هدف کاهش یا از میان بردن پدیده جرم و بزه‌کاری در جامعه از طریق پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم، یکی از مهم‌ترین اهداف پیش‌گیری از جرم، افزایش امنیت در جامعه است که از طریق کاهش تعداد جرم‌ها و کاهش احساس ترس از جرم میسر می‌شود. بر اساس این پژوهش، راهبردهای اصلی پیش‌گیری از جرم عبارتند از پیش‌گیری از جرم به وسیله تمرکز بر جرم و پیش‌گیری از جرم به وسیله جلوگیری کردن از تبدیل شدن فرد به مجرم یا ممانعت از تکرار جرم. در این فرایند، بزه دیده نیز مورد توجه ویژه است. برنامه و طرح‌های پیش‌گیری از جرم، بر اساس راهبردهای تعیین‌شده، طراحی و سپس اجرا می‌شوند. راهبردها باید برای دستیابی به نتایج مؤثرتر و پایدارتر، مورد استفاده قرار گیرند. هدف راهبرد اول، تلاش برای کاهش موقعیت مناسب برای ارتکاب جرم و تأثیرگذاری بر جرم و اقدامات مربوط به جرم است تا به این ترتیب، ارتکاب جرم دشوارتر شود یا ارتکاب جرم با خطرات بیشتری همراه باشد و یا ارتکاب جرم سودآوری کم‌تری داشته باشد. معیارهای پیش‌گیری کننده از جرم را می‌توان به بزه‌دیدگان احتمالی جرم نیز معطوف کرد. برخی افراد، بیش از سایرین در معرض خطر جرم قرار دارند. دومین راهبرد پیش‌گیری از جرم، تلاش برای تأثیرگذاری بر مشخصه‌هایی است که برخی افراد را بیش از دیگران به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد. بسیاری از عوامل خطر که به پیش‌بینی بزه‌کاری در آینده کمک می‌کنند، ممکن است از عوامل فردی باشند یا از عوامل عمومی. آنچه اهمیت دارد، پیش‌گیری از رانده شدن فرد به حاشیه جامعه و محرومیت اجتماعی است؛ زیرا عواملی که در رشد بزه‌کاری دخیل هستند، ارتباط مستقیم با فقر اقتصادی و شرایط زندگی در حاشیه جامعه دارند (عباچی، 1387).

نسل (1389) در پژوهشی با عنوان «فرآیند پیش‌گیری از جرم» که به روش مطالعه اسنادی انجام گرفت، نشان داد که نمی‌توان به صرف انجام اقدامات پراکنده و

غیرمنسجم، توقع توفیق در پیش‌گیری از جرم را داشت، بلکه هر برنامه پیش‌گیرانه‌ای در صورتی قرین موفقیت خواهد بود که فرآیندی منطقی و علمی در تکوین و اجرای آن رعایت شود. فرآیند پیش‌گیری از جرم با هدف‌گذاری آغاز و با ارزیابی پایان می‌پذیرد و هدف‌گذاری صحیح و الویت‌بندی مسائل جرم و بررسی راه‌کارهای مختلف و اجرای دقیق برنامه‌ها از اجزای فرآیند پیش‌گیری از جرم هستند و بالاخره ارزیابی برنامه‌ها و بازخوردگیری از مداخلات می‌تواند به تصحیح آن‌ها کمک کند. فرآیند پیش‌گیری از جرم را نیز نباید کلیشه‌ای تصور کنیم. مهم نیست که این فرآیند را در چند مرحله تعریف کنیم، بلکه مهم آن است که فرآیند تعریف شده حداقل‌های اشاره شده را دارا باشد. به‌خصوص اگر توجه داشته باشیم که شرط اول موفقیت برنامه‌های اقتباس شده از جوامع دیگر، بومی‌سازی و انطباق آن‌ها با امکانات و مقدرات و ویژگی‌های جامعه خودی است (نسل، 1389).

اسکندری و همکاران (1391) در پژوهشی با عنوان «کاربرد داده‌کاوی در شناسایی و کشف الگوهای پنهان جرم سرقت با روش داده‌کاوی» نشان داد که با استفاده از داده‌کاوی و الگوریتم‌های آن سعی شده است تا تحلیل‌های دقیقی بر روی داده‌های جرم موجود در پایگاه داده انجام شود و با استفاده از الگوهای پنهان موجود در داده‌ها مدیران مربوطه را در اخذ تصمیم‌ها یاری کنند. در این‌جا با استفاده از دو روش قوانین تلازمی و روش خوشه‌بندی سعی شده است تا این قبیل الگوهای مورد نیاز مدیران کشف در اختیار آن‌ها قرار گیرد؛ به‌عنوان مثال برخی از الگوهای استخراج‌شده نشان می‌دهند که خانه‌های ویلایی نسبت به آپارتمان‌ها بیش‌تر در معرض تعدی و تجاوز هستند یا برخی از این قواعد نشان می‌دهند که احتمال وقوع سرقت جیب‌بری توسط زنان بیش از 1/5 برابر مردان است. هم‌چنین این الگوها نشان می‌دهد احتمال وقوع سرقت محتویات داخل خودرو در فصل بهار نسبت به زمستان بیش‌تر است (اسکندری، 1391).

هدایتی و عباسی (1388) در پژوهشی با عنوان «مدیریت علمی کانون‌های جرم‌خیز با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS (مورد مطالعه: انواع جرایم سرقت در شهر قزوین) با استفاده از روش تحلیلی و تطبیقی» نشان دادند که ارائه انواع گشت تخصصی به تفکیک انواع سرقت باعث می‌شود که به‌طور فراگیری آمایش بهینه نیروها با توجه به ضریب خطرپذیری محدوده‌ها، صرفه‌جویی در منابع (انسانی و غیرانسانی) به واسطه

گشت‌های به موقع در مکان‌ها و زمان‌های بحرانی انواع جرایم سرقت، افزایش حس مسئولیت، افزایش بازدهی و کارایی مأموریت‌های پلیس، افزایش حس مفید بودن نیروها به واسطه استفاده بهینه از توانمندی نیروها... افزایش یابد (هدایتی، 1388).

در پژوهشی در رشته حقوق دانشگاه منچستر با عنوان «سرقت مسلحانه در نیجریه (مطالعه کیفی جوانان سارقان مسلح)» نتایج نشان می‌دهد که شرایط خانوادگی، محرک‌های مالی، فقر اقتصادی و گروه‌های دوستان بزه‌کار دارای ارتباط مستقیمی با ارتکاب جرم سرقت مسلحانه توسط جوانان مذکر نیجریه‌ای دارد (جول¹، 2011: 61).

در پژوهشی با عنوان «رویه‌های خط مشی‌گذاری علیه سارقان مسلح در لندن» با بررسی 1000 گزارش پلیس در مورد سرقت مسلحانه و مصاحبه با 88 سارق مسلح نتایج نشان می‌دهد اجرای راهبردهای پیش‌گیری وضعی شامل کاهش منافع، افزایش خطر، حذف بهانه و افزایش زحمت باعث کاهش میزان سرقت مسلحانه در سطح شهر لندن شده است (شونا²، 2007: 52).

در پژوهشی با عنوان «پیش‌گیری مؤثر از طریق طراحی محیطی برای کاهش سرقت‌های مسلحانه» نتایج نشان می‌دهد تغییر در محیط زندگی مردم از طریق مناسب‌سازی معابر، خیابان‌ها و اماکن تجاری برای مقابله با سرقت مسلحانه باعث کاهش این جرم در کوتاه‌مدت می‌شود و از طرفی این تدابیر به دلیل پایدار بودن، دارای اثرات بلندمدتی هستند (کاستیل³، 2000: 115).

در پژوهشی با عنوان «جنسیت، دل‌بستگی والدین و بزه‌کاری» نتایج نشان می‌دهد که پیوندهای مورد نظر هیرشی توان پیش‌بینی‌کنندگی بزه‌کاری جدی و غیر جدی را دارند. در هر دو جنس هنگامی که دل‌بستگی و تعهد به والدین و مدرسه افزایش یابد بزه‌کاری کاهش می‌یابد. برعکس نظر هیرشی، افزایش در دل‌بستگی و تعهد به گروه هم‌سالان بزه‌کار، افزایش بزه‌کاری را به همراه دارد. الدر در پژوهش خود نشان می‌دهد گرفتاری والدین و به‌خصوص پدر نقش مهمی در رشد نوجوان در دسترسی به تحصیلات دانشگاهی، بزه‌کاری، خشونت و سلامت ذهنی دارد (الدر⁴، 2007: 131).

1 - Elder

2 - Shona

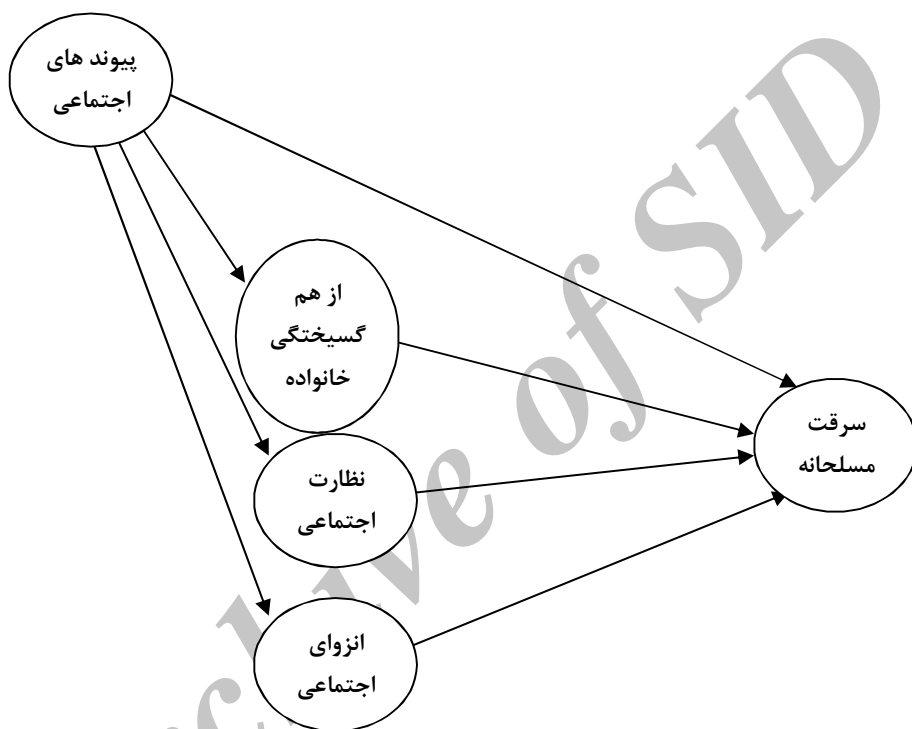
3 - Casteel

4 - Elder

الگوی مفهومی پژوهش

با توجه به مبانی نظری تحقیق و همچنین پیشینه مورد مطالعه و همچنین اهداف پژوهش، مدل مفهومی به شرح زیر قابل ارائه است.

141



نمودار 1: الگوی مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- 1- تفاوت معنی‌داری میان میزان نظارت اجتماعی در دو گروه بزه‌کار (سارق) و غیربزه‌کار (غیر سارق) وجود دارد.
- 2- تفاوت معنی‌داری میان انزوای اجتماعی افراد بزه‌کار (سارق) و غیر بزه‌کار (غیرسارق) وجود دارد.
- 3- از هم‌گسیختگی خانوادگی در بزه‌کاران (سارق) نسبت به گروه غیر بزه‌کار

(غیرسارق) بیش تر است.

4- میزان پیوند اجتماعی در دو گروه بزه‌کار (سارق) و غیربزه‌کار (غیرسارق) متفاوت است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این پژوهش علی - مقایسه‌ای¹ است و در این روش پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقع آن می‌پردازد. این نوع تحقیقات به علت آن که برخی از متغیرها خصیصه‌ای بوده و قابل دستکاری می‌باشند (مانند جنسیت) و اگر قابل دستکاری باشند؛ این دستکاری غیر اخلاقی و غیر انسانی است، مورد توجه قرار گرفته‌اند (دلاور، 1380: 39).

جامعه آماری در این مطالعه بنا به نوع روش پژوهش از دو جامعه آماری جهت مقایسه استفاده شده است که عبارتند از:

1- گروه تجربی: شامل کلیه مردان 18 سال به بالایی هستند که در پایگاه‌های آگاهی شهر تهران مرتکب سرقت مسلحانه شده‌اند.

2- گروه کنترل: شامل مردان بالای 18 سال سطح شهر تهران هستند. برای مقایسه با گروه تجربی، از گروه کنترل 90 نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شده است (چون تعداد نمونه گروه تجربی 90 نفر بوده جهت مقایسه از گروه کنترل همین تعداد انتخاب شده است). سعی بر آن بوده که دو جامعه مورد مطالعه شبیه به هم باشند، ولی به علت آن که پیدا کردن دو گروه که از هر نظر شبیه هم باشند، قدری مشکل است، بنابراین مهم‌ترین متغیری که هم‌سنخی دو گروه تجربی و کنترل را نشان می‌دهد، عامل سن است. به‌طوری که سعی شده است که به لحاظ این متغیر برای مقایسه و بررسی همانند هم باشند.

تفاوت اساسی در دو گروه مورد مطالعه ارتکاب و عدم ارتکاب جرم (سرقت مسلحانه) است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش برای افراد غیرسارق از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده است. در گروه تجربی کلیه مردانی که در پایگاه آگاهی تهران دستگیر شده بودند، مورد مطالعه قرار گرفتند و کل شماری از آن‌ها صورت گرفت.

1 - casual- comparative

برای سنجش پایایی شاخص‌ها و میزان هم‌بستگی درونی گویه‌هایی که شاخص‌ها را تشکیل می‌دهند حدود 35 پرسش‌نامه قبل از اجرای پرسش‌نامه اصلی پر شده است و با استفاده از آلفای کرونباخ هم‌بستگی درونی گویه‌هایی که شاخص‌ها را تشکیل می‌دهند سنجیده شد و گویه‌هایی که هم‌بستگی پایینی با دیگر گویه‌ها برای ساخت شاخص‌ها داشته‌اند حذف شده‌اند.

جدول شماره 1: میزان آلفای کرونباخ برای شاخص‌های پژوهش

شاخص	میزان آلفا
نظارت اجتماعی	0/85
از هم‌گسیختگی خانواده	0/86
انزوای اجتماعی	0/80
پیوند اجتماعی	0/89

میزان آلفای کرونباخ مورد تأیید و قابل قبول 0/70 است؛ بنابراین همان‌گونه در جدول شماره یک مشاهده می‌شود شاخص‌های نظارت اجتماعی، از هم‌گسیختگی خانوادگی و انزوای اجتماعی و پیوند اجتماعی از پایایی لازم برای سنجش برخوردار هستند.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

نتایج آمار توصیفی بیانگر آن است که:

- سن سارقان مسلح بیش‌تر (با درصد حدود 27/7 درصد) در گروه سنی 24-25 سال قرار دارد.
- بیش‌تر افراد سارق دارای سطح سواد دوره ابتدایی (با 28/8 درصد) قرار دارند.
- 25/5 درصد از افراد سارق اعتیاد داشته‌اند و حدود 74/5 درصد از افراد سارق اعتیاد نداشته‌اند.
- 65/5 درصد از افراد سارق سابقه محکومیت کیفری را داشته‌اند و حدود 34/5 درصد از افراد سارق سابقه محکومیت کیفری را نداشته‌اند.
- 37/7 درصد از افراد سارق بار اول است که به جرم سرقت مسلحانه دستگیر

می‌شوند، حدود 51/1 بار دوم و 11/2 درصد بار سوم است که به علت جرم سرقت مسلحانه دستگیر می‌شوند.

- 32/2 درصد از افراد سارق یکی از اعضای خانواده‌شان سابقه محکومیت کیفری را دارد.

- میزان درآمد افراد سارق، به ترتیب 31/2 درصد در گروه 400 هزار تومان و کم‌تر، 35/7 درصد در گروه بین 401 تا 500 هزار تومان، 12/2 درصد در گروه بین 501 تا 600 هزار تومان، 8/8 درصد در گروه بین 601 تا 700 هزار تومان، 5/5 درصد در گروه بین 700 تا 800 هزار تومان و 4/4 درصد در گروه بین 800 تا 950 هزار تومان و 2/2 در گروه بیش از 951 هزار تومان بوده‌اند.

- 73/4 درصد از افراد سارق متاهل و 22/2 درصد از افراد سارق مجرد بوده‌اند. از طرفی 35/5 درصد از افراد سارق از همسرشان جدا شده‌اند.

- 37/9 درصد از والدین افراد سارق از هم طلاق گرفته‌اند و 56/6 طلاق نگرفته‌اند.

ب) یافته‌های استنباطی

نتیجه آزمون فرضیات اصلی پژوهش بشرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: تفاوت معنی‌داری میان میزان نظارت اجتماعی در دو گروه بزه‌کار (سارق) و غیربزه‌کار (غیر سارق) وجود دارد.

جدول شماره 2: تفاضل میانگین گروه تجربی و کنترل در خرده مقیاس نظارت اجتماعی

نوع گروه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
گروه تجربی (سارق)	27/01	4/55	14/25	0/01
گروه کنترل (غیرسارق)	14/96	5/62		

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود مقدار t محاسبه‌شده برابر با 14/25 است. چون سطح معناداری کوچک‌تر از 0/05 است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرض مخالف یعنی فرض پژوهش اثبات می‌شود؛ پس با توجه به اختلاف میانگین‌ها، بین گروه تجربی (سارق) و گروه کنترل (غیرسارق) به لحاظ میزان نظارت اجتماعی تفاوت وجود دارد.

فرضیه دوم: تفاوت معنی‌داری میان انزوای اجتماعی افراد بزه‌کار (سارق) و غیر

بزه کار (غیرسارق) وجود دارد.

جدول شماره 3: تفاضل میانگین گروه تجربی و کنترل در خرده‌مقیاس انزوای اجتماعی

نوع گروه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
گروه تجربی (سارق)	4/24	3/02	10/34	0/01
گروه کنترل (غیرسارق)	13/04	4/11		

145

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود مقدار t محاسبه شده برابر با 10/34 است. چون سطح معناداری کوچکتر از 0/05 است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرض مخالف یعنی فرض پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ بنابراین با توجه به اختلاف میانگین‌ها، بین دو گروه تجربی (سارق) و گروه کنترل (غیرسارق) به لحاظ وضعیت انزوا یا اجتماعی تفاوت وجود دارد. تحلیل‌های پژوهش حاکی از آن است بزه‌کارانی که به لحاظ وضعیت انزوای اجتماعی در مراتب بالاتری قرار دارند بیش‌تر احتمال دارد به سمت سرقت کشیده شوند.

فرضیه سوم: از هم‌گسیختگی خانوادگی در بزه‌کاران (سارق) نسبت به گروه غیر بزه‌کار (غیرسارق) بیش‌تر است.

جدول شماره 4: تفاضل میانگین گروه تجربی و کنترل در خرده‌مقیاس گسیختگی خانواده

نوع گروه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
گروه تجربی (سارق)	17/44	8/17	6/90	0/03
گروه کنترل (غیرسارق)	12/01	5/13		

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود مقدار t محاسبه شده برابر با 6/90 است. چون سطح معناداری کوچک‌تر از 0/05 است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرض مخالف یعنی فرض پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ بنابراین با توجه به اختلاف میانگین‌ها، بین دو گروه تجربی (سارق) و گروه کنترل (غیرسارق) به لحاظ میزان از هم‌گسیختگی خانوادگی تفاوت وجود دارد. عامل گسیختگی خانواده یکی از عواملی است که میزان آن در خانواده‌های سارق بیش‌تر از خانواده‌های غیرسارق است و یکی از فاکتورهای تأثیرگذار در جرم سرقت مسلحانه و کشیده شدن آن‌ها به سمت انحراف است.

فرضیه چهارم: میزان پیوند اجتماعی در دو گروه بزه‌کار (سارق) و غیربزه‌کار (غیرسارق) متفاوت است.

جدول شماره 5: جدول معناداری تفاضل میانگین گروه تجربی و کنترل در خرده‌مقیاس پیوند اجتماعی

نوع گروه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
گروه تجربی (سارق)	62/03	14/80	-12/50	0/02
گروه کنترل (غیرسارق)	80/79	9/0		

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود مقدار t محاسبه شده برابر با 12/50- است. چون سطح معناداری کوچک‌تر از 0/05 است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرض مخالف یعنی فرض پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ بنابراین با توجه به اختلاف میانگین‌ها، بین دو گروه تجربی (سارق) و گروه کنترل (غیرسارق) به لحاظ میزان پیوند اجتماعی تفاوت وجود دارد. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که سارق دارای پیوند اجتماعی کم‌تری نسبت به غیرسارقان است و به همین دلیل معیارها و قید و بند کم‌تری دارد و احتمال به انحراف کشیده شدن هم بیش‌تر است.

نتیجه‌گیری

سرقت مسلحانه از جمله جرایم خشنی است که باعث ایجاد احساس ناامنی زیادی در جامعه می‌شود. نتایج آمار توصیفی بیانگر آن است که سن سارقان مسلح بیش‌تر (با درصد حدود 27/7 درصد) در گروه سنی 25-24 سال قرار دارد. بیش‌تر افراد سارق دارای سطح سواد دوره ابتدایی (با 28/8 درصد) قرار دارند. حدود 25/5 درصد از افراد سارق اعتیاد داشته‌اند و حدود 74/5 درصد از افراد سارق اعتیاد نداشته‌اند؛ این در حالی است که 7/7 درصد از افراد غیرسارق اعتیاد داشته‌اند و حدود 92/3 درصد از افراد غیرسارق اعتیاد نداشته‌اند. در مقایسه بین اعتیاد افراد سارق و غیر سارق مشخص شد که افراد سارق به مراتب بیش‌تر معتاد بوده‌اند.

در حدود 65/5 درصد از افراد سارق سابقه محکومیت کیفری را داشته‌اند و حدود 34/5 درصد از افراد سارق سابقه محکومیت کیفری را نداشته‌اند. از طرفی 37/7 درصد از افراد سارق بار اول است که به جرم سرقت مسلحانه دستگیر می‌شوند، حدود 51/1 بار دوم و 11/2 درصد بار سوم است که به جرم سرقت مسلحانه دستگیر می‌شوند. در نتیجه بیش‌تر سارقان مسلح سابقه محکومیت کیفری دارند و حدود نیمی از آن‌ها بار دوم است که به‌عنوان سارق مسلح دستگیر می‌شوند. این امر بیان‌گر این است که

مجازات فرد در بار اول آن قدر بازدارنده نبوده است که در نتیجه دوباره دست به ارتکاب جرم سرقت مسلحانه زده‌اند.

در حدود $32/2$ درصد از افراد سارق یکی از اعضای خانواده‌شان سابقه محکومیت کیفری را دارد و $67/7$ از افراد سارق اعضای خانواده‌شان سابقه محکومیت کیفری را ندارند. در حالی که در حدود $13/5$ درصد از افراد غیر سارق یکی از اعضای خانواده‌شان سابقه محکومیت کیفری را دارد و حدود $78/8$ از افراد غیرسارق اعضای خانواده‌شان سابقه محکومیت کیفری را ندارند. در مقایسه سابقه محکومیت کیفری اعضای خانواده افراد سارق و غیر سارق به این نتیجه می‌رسیم که در خانواده افراد سارق تعداد اعضای بیشتری از خانواده‌شان سابقه محکومیت کیفری دارند.

میزان درآمد افراد سارق، به ترتیب $31/2$ درصد در گروه 400 هزار تومان و کمتر، $35/7$ درصد در گروه بین 401 تا 500 هزار تومان، $12/2$ درصد در گروه بین 501 تا 600 هزار تومان، $8/8$ درصد در گروه بین 601 تا 700 هزار تومان، $5/5$ درصد در گروه بین 700 تا 800 هزار تومان و $4/4$ در گروه بین 800 تا 950 هزار تومان و $2/2$ در گروه بیش از 951 هزار تومان بوده‌اند. در حالی که میزان درآمد افراد غیرسارق، به ترتیب $3/3$ درصد در گروه 400 هزار تومان و کمتر، $7/7$ درصد در گروه بین 401 تا 500 هزار تومان، $12/4$ درصد در گروه بین 501 تا 600 هزار تومان، 20 درصد در گروه بین 601 تا 700 هزار تومان، $15/5$ درصد در گروه بین 700 تا 800 هزار تومان، $31/1$ در گروه بین 800 تا 950 هزار تومان و 10 درصد در گروه بیش از 951 هزار تومان بوده‌اند. مقایسه متوسط درآمد خانواده افراد سارق با افراد غیر سارق نشان می‌دهد میزان متوسط درآمد خانواده افراد سارق به مراتب کم‌تر از درآمد خانواده افراد غیر سارق است. در حدود $73/4$ درصد از افراد سارق متأهل و $22/2$ درصد از افراد سارق مجرد بوده‌اند. از طرفی $35/5$ درصد از افراد سارق از همسرشان جدا شده‌اند و حدود $12/2$ درصد از افراد غیرسارق از همسرشان جدا شده‌اند. از مقایسه موارد بالا مشخص می‌شود که میزان طلاق در بین افراد سارق به مراتب بیش‌تر از میزان طلاق در بین افراد غیر سارق است.

شغل پدر بیش تر افراد سارق مسلح با درصد حدود 43/6 درصد بیکار موقت بوده است و 81/2 درصد از افراد سارق پدرشان زنده بوده است. در حدود 37/9 درصد از والدین افراد سارق از هم طلاق گرفته اند و 56/6 طلاق نگرفته اند. در حالی که 10 درصد از والدین افراد غیرسارق از هم طلاق گرفته اند و 81/2 طلاق نگرفته اند. در نتیجه در مقایسه مشخص می شود که میزان طلاق والدین در بین افراد سارق به مراتب بیش تر از میزان طلاق والدین در بین افراد غیر سارق است.

نتایج آمار استنباطی حاکی از آن است که بین متغیرهای مستقل پژوهش و متغیر وابسته ارتباط معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که بین متغیرهای محرومیت نسبی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، از هم گسیختگی خانواده و پیوند اجتماعی با متغیر سرقت مسلحانه رابطه معناداری وجود دارد. در این میان، بین دو متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و پیوند اجتماعی با سرقت مسلحانه و پیوند اجتماعی ارتباط معکوسی برقرار است؛ بدین معنا که با افزایش و کاهش این دو متغیر مستقل، میزان متغیر وابسته (سرقت مسلحانه) به ترتیب کاهش و افزایش خواهد یافت. نتایج پژوهش نشان می دهند که چارچوب نظری استفاده شده به خوبی یافته های پژوهش را حمایت و تأیید می کند. هیرشی معتقد بود که برای بزه کار شدن فرد نیازی به عوامل انگیزشی نیست؛ تنها عامل مورد نیاز، فقدان کنترل است که به فرد این آزادی را می دهد که فواید جرم را نسبت به هزینه های آن عمل بزه کارانه سبک سنگین کند. فرضیه اصلی این نظریه ارضاء نشدنی بودن ماهیت انسان است. دیدگاه نظارت اجتماعی بر این عقیده است که افراد اصولاً دارای قابلیت بهنجار بودن یا نابهنجار بودن هستند. نکته اصلی این است که جامعه چه رفتاری با فرد داشته باشد. رفتار بهنجار و نابهنجار تنها در درون جامعه دارای معنی است و هر جامعه ای سعی می کند که هنجارهای خود را بر فرد تحمیل کند (ممتاز، 1381: 29). هیرشی که مهم ترین پایه گذار این نظریه است موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می کند؛ او بر این اعتقاد است که کج رفتاری زمانی واقع می شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود. هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می شوند؛ وابستگی¹، تعهد²، درگیری³ و اعتقاد⁴. در قالب نظریه

1- Attachment
2- Commitment
3- Involvement
4- Belief

فشار - محرومیت¹، فقدان سرمایه اجتماعی بر مبنای عدم دسترسی به منابع کمیاب، چون اشتغال و آموزش مورد بررسی قرار می‌گیرد. نظریه فشار مدعی است که وقایع استرس‌آور در خانواده یا محیط زندگی، موجب عواطف منفی شده و حاصل آن بزه‌کاری است. به‌خصوص زمانی که تحقق این وقایع، همراه با فقدان منابع هنجاری چون عدم حمایت والدین و هم‌سالان باشد (کاتز، 2002: 31). نظریه فشار بر این ایده تأکید دارد که افراد، در مواجهه با فشارهای اجتماعی، در صورت عدم دسترسی به منابع لازم، دچار نوعی احساس محرومیت و سرخوردگی شده و آماده نقض و شکستن هنجارها و ورود به عرصه رفتارهای پرخطر، بزه‌کارانه و اعمال مجرمانه می‌شوند که در صورت برخورداری از منابع ارتباطی و هنجارهای مناسب، می‌توانند در مواجهه با فشارهای اجتماعی خود را باز تعریف کنند و از ورود به عرصه‌های مجرمانه، پرهیز و اجتناب کنند.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهشی که توسط محسنی تبریزی و پروین (1388) در خصوص عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان شهر کرمانشاه انجام شده مشابه است. در هر دو پژوهش بین متغیر نابرابری اجتماعی و پیوند اجتماعی با سرقت رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهشی که توسط ملکمیان و شریفیان (1388) در خصوص عوامل مؤثر بر جرم انجام شده است مشابه است. در هر دو پژوهش بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نیز از هم‌گسبختگی خانواده و جرم رابطه معناداری دیده می‌شود.

1- Deprivation/strain theory

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر در در خصوص سرقت مسلحانه ذکر می‌شود:

الف) جنبه‌های کیفری سرقت مسلحانه

- 1- با توجه به ارجاع ماده واحده قانون تشدید مجازات سارقان مسلح مصوب 1333 به قانون منسوخه دادرسی و کیفر ارتش و این که حداقل برخی از مصادیق این جرم ممکن است مشمول مواد دیگری مثل ماده 652 «قانون تعزیرات»، مصوب سال 1375، قرار گیرند، اعتبار ماده واحده مورد تردید است و به نظر نگارنده این ماده واحده منسوخ شده است.
- 2- در واقع ماده 652 قانون مجازات اسلامی تا حد زیادی مشابه ماده 223 قانون مجازات عمومی مصوب 1304 است که توسط قانون‌گذار بر حسب ضرورت در سال 1375 تدوین شده است، ولی منتهی این ایراد بر مقررین وارد است که مدت حبس مذکور در ماده 652 با توجه به فعل سارقان باید 3 الی ده سال حبس باشد، نه 3 ماه تا ده سال؛ چرا که میزان کیفر حبس سه ماه، حداقل کیفر عمل ارتكابی است و از طرفی با عنایت به این موضوع که سرقت ماده مزبور جزء سرقت‌های مشدده محسوب می‌شود و با نظر به ماده 661 قانون مجازات اسلامی که کیفر سرقت ساده را حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و 74 ضربه شلاق و تعیین کرده، بنابراین اصلاح این ماده ضرورت دارد، ضمن آن که سابقه تقنینی نیز مؤید این مطلب است.
- 3- با توجه به این که مجازات سارق مسلح و راهزن، محاربه است. طبق ماده 281¹ قانون مجازات اسلامی مجازات محارب است و در ماده 282 مجازات محارب از اعدام تا یک سال نفی بلد (ماده 284² قانون مجازات اسلامی) ذکر شده است و انتخاب نوع مجازات طبق ماده 283³ قانون مجازات در اختیار قاضی است، چنین

1 - ماده 281- راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند.
 2 - ماده 284- مدت نفی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست، اگر چه محارب بعد از دستگیری توبه کند و در صورتی که توبه نکند همچنان در تبعید باقی می‌ماند.
 3 - ماده 283- انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده (282) به اختیار قاضی است.

به نظر می‌رسد که قانون‌گذار سیاست جنایی مشخصی را پی‌ریزی نکرده است؛ چرا که اختیار قاضی در تعیین مجازات میان یک سال نفی بلد و اعدام مجرم به‌خصوص با توجه به دستگاه قضایی ما که اکثراً توسط قضات مأذون اداره می‌شود، مشکلات و مسائل زیادی را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در خصوص سارق مسلحی که محارب است مجازات مشخص و معینی مثل سایر جرایم تعیین شود.

ب) اقدامات پیش‌گیرانه

- 1- بررسی نقاط آسیب‌پذیر و آماج‌های سرقت مسلحانه مثل اماکن تجاری، بانک‌ها و ...
- 2- تهیه طرح‌های پیش‌گیرانه پلیسی از جمله مهم‌ترین راه‌کار جلوگیری از سرقت مسلحانه در اماکن مورد آماج، استقرار نگهبان به‌صورت مسلح (سلاح گرم یا سرد) است.
- 3- اکثر سرقت‌های مسلحانه از بانک‌ها و طلافروشی‌ها در ساعات اولیه صبح اتفاق می‌افتد که جا دارد پلیس و مسئولان اماکن فوق از به‌کارگیری نگهبانان در این اوقات اطمینان حاصل کنند.
- 4- در خصوص سرقت مسلحانه از بانک‌ها می‌بایست مدیران شعب نسبت به طراحی مناسب اقدام کنند. تجربه نشان می‌دهد که داشتن درب‌های خروجی بانک به غیر از درب اصلی می‌تواند یکی از مکان‌های امن سارقان برای فرار یا ورود به بانک در ساعات اولیه صبح باشد.
- 5- در اماکن تجاری حتی‌الامکان می‌بایست محل نگهداری گاو صندوق به‌صورت مستتر باشد تا به‌راحتی توسط سارقان شناسایی نشود.

- احمدی، حبیب (1384). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت.
- اسکندری، حمیدرضا؛ علیزاده، سمیه؛ کاظمی، پروانه (1391). کاربرد داده‌کاوی در شناسایی و کشف الگوهای پنهان جرم سرقت، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- الزمی، مصطفی ابراهیم (1435 ه.ق). فلسفه الشریعه، قاهره: نشر احسان للنشر و التوزیع. جلد 21.
- دلاور، علی (1380). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.
- دهخدا، علی اکبر (1341). لغت‌نامه. تهران: چاپ افست گلشن.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم؛ حسین بن محمد (بی تا). المفردات فی غریب القرآن، پژوهش محمد سید گیلانی، دارالمعرفه، بدون تاریخ، بیروت.
- شامبیاتی، هوشنگ (1384). بزه‌کاری اطفال و نوجوانان. تهران: مؤسسه انتشاراتی ویستار.
- صبری، نورمحمد (1378). جرم سرقت در حقوق کیفری ایران و اسلام.
- صفاری، محسن (1389). سرقت مسلحانه در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه. تهران: بازتاب اندیشه.
- عباچی، مریم (1387). مبانی و مقدمات تدوین برنامه ملی پیش‌گیری از جرم در ایران. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیش‌گیری از جرم - سال سوم، شماره نهم.
- عبدالقادر عوده (1989). التشریح الجنائی، جلد 2، بیروت.
- گلدوزیان، ایرج (1392). محشاء قانون مجازات اسلامی. تهران: انتشارات مجد.
- محمدنسل، غلامرضا (1387). پلیس و سیاست پیش‌گیری از جرم - اولین همایش ملی پیش‌گیری از وقوع جرم - دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا.
- محمدنسل، غلامرضا (1389). فرآیند پیش‌گیری از جرم. فصل‌نامه علمی - پژوهشی حقوق، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- ممتاز، فریده (1381). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- میرمحمد صادقی، حسین (1394). جرایم علیه اموال و مالکیت. تهران: نشر میزان، چاپ سی و هشتم.

- نادری عباس‌آباد، حمداله (1383). سنجش میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز: دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- نجفی، محمدحسن (1981). جواهرالکلام، دارالاحیاء التراث العربی، جلد چهل‌ویک، بیروت.
- هدایتی، اکبر؛ عباسی، الهام (1388). مدیریت علمی کانون‌های جرم‌خیز با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS (مورد مطالعه: انواع جرایم سرقت در شهر قزوین). فصل‌نامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی.
- ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ اسپینسن، جفری (1380). جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی). ترجمه شجاعی، تهران: سمت، ص 129.
- Carri Casteel, (2000). Effectiveness of Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) in Reducing Robberies, American Journal of Preventive Medicine: N18 (4S), pp.99 –115 .
- Elder. E. charlotte (2007). Father involvement as a protective factor among delinquent adolescents. University of Maryland.
- Joel Chijioke Nwalozie (2011). Armed Robbery In Nigeria - A Qualitative Study of Young Male Robbers. School of Law University of Manchester, A thesis submitted to the University of Manchester for the degree of Doctor of Philosophy in the Faculty of Humanities.
- Katz, Rebecca. S (2002). Re-Examining the Integrative social capital theory of crime, Western Criminology Review. 4 (1).
- Seeman, M. (1957). On the Meaning of Alienation, ASR, Vol. 24, Pp: 783-791.
- Shona A. Morrison, Ian O'Donnell and Linacre College (2007). AN ANALYSIS OF THE DECISION-MAKING PRACTICES OF ARMED ROBBERS, Commonwealth Law Enforcement Board, Canberra, and AUS.

Archive of SID